مخالفان تاکتیکهای بنی صدر موضعگیری حزب جمهوری اسلامی در مساله جنگ

گرگانی، مهدی

مرحوم شهید بهشتی بااینکه حضور طیف گسترده‌ای از نیروهای مسلمان در نهضت آزادی را مشاهده می‌کرد اما با دقت در اساسنامه و رویه عملی نهضت آزادی، آن را یک تشکیلات غیرمکتبی تشخیص داد و با صلاحدید حضرت امام(ره) به سازماندهی مکتبی نیروهای مسلمان اهتمام نمود. سرانجام دراثر این تلاشها، با فاصله کمی از پیروزی انقلاب، حزب جمهوری اسلامی که از مدتها قبل تشکیل شده بود و مخفیانه فعالیت داشت، اعلام موجودیت کرد. این حزب تا زمان انفجار دفتر مرکزی آن توسط نیروهای ضدانقلاب که به شهادت دکتر بهشتی و دهها نفر از یاران و همفکران او منجر شد، به‌عنوان بازوی نظام نوپای جمهوری اسلامی به کادرسازی و تصمیم‌سازی در سالهای اولیه انقلاب می‌پرداخت. شهید باهنر به‌عنوان دبیرکل جدید حزب نیز به‌ همراه رئیس‌جمهور مردمی یعنی شهید رجایی به شهادت رسید و پس از آن حزب با دبیرکلی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (مدظله) به فعالیت خود ادامه داد. یکی از مهمترین فعالیتهای حزب علاوه بر حمایتهای سیاسی از دفاع بر حق مردم ایران و تداوم جنگ تا رفع کامل فتنه، مساعدت عملی در بسیج نیروهای مردمی و حضور اعضای آن در خطوط مقدم نبرد بود. حزب جمهوری به‌خاطر پاره‌ای ملاحظات سیاسی، از جمله به منظور رفع اتهام تک‌حزبی‌بودن نظام و به‌ویژه به‌تبع شکل گیری برخی اختلافات درون حزبی، سرانجام با تایید حضرت امام منحل شد و خود را با کوله‌باری از مجاهدت به تاریخ سپرد. نگاشته زیر تاریخچه و عملکرد حزب جمهوری اسلامی را در طول دفاع مقدس مورد بررسی قرارداده است.

حزب جمهوری اسلامی Islamic Republican Party)) توسط آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی‌‌بهشتی، آیت‌الله موسوی‌اردبیلی، حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و حجت‌الاسلام‌والمسلمین علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی در نوزدهم بهمن‌ماه 1357 تاسیس شد.[1] فکر تاسیس حزب جمهوری اسلامی به تجربه نهضت ملی ایران در سالهای 1329 و کودتای بیست‌وهشتم مرداد 1332 بازمی‌گردد.

آیت‌الله دکتر سیدمحمد ‌حسینی‌بهشتی، اولین دبیرکل حزب، که به منظور سازماندهی نیروهای مذهبی ــ انقلابی در فکر ایجاد یک حزب یا جمعیت سیاسی اسلامی بود[2] با تاسیس نهضت آزادی ایران توسط چهل‌ودو تن از اعضاء موسس آن از جمله آیت‌الله سیدمحمود طالقانی، یدالله سحابی، منصور عطایی، آیت‌الله زنجانی، حسن نزیه، رحیم عطایی، عباس سمیعی، مهدی بازرگان و... در بیست‌وپنجم اردیبهشت 1340[3] از آن استقبال کرد؛ اما زمانی که متوجه شد در اساسنامه از اسلام به عنوان یک مکتب و از نهضت آزادی به عنوان یک حزب اسلامی تمام‌عیار یاد نشده است، با انتقاد از بنیانگذاران نهضت آزادی، آن را غیرمکتبی دانست و به فکر تاسیس یک مجموعه فعال برای شناخت ایدئولوژی اسلام در شکل یک مکتب تمام‌عیار افتاد و یک گروه تحقیقاتی را به منظور بررسی و مطالعه حکومت در اسلام به‌وجود آورد. اما این گروه به دست ساواک متلاشی شد و دکتر بهشتی به‌ناچار ایران را به مقصد آلمان ترک کرد. او در آلمان تلاش نمود یک هسته سیاسی برای جذب افراد مستعد به‌وجود آورد که عملی نشد و در سال 1349 به ایران بازگشت. مراجعت وی به کشور با اوج‌گیری مبارزات سازمان مجاهدین خلق در سال 1350 که یک سازمان اسلامی و سیاسی ــ چریکی تلقی می‌شد، مصادف گردید و او به تایید تلویحی این سازمان پرداخت. ولی با آشکارشدن تدریجی نارسایی‌ها و کمبودهای اساسی ایدئولوژیک در سازمان و به دنبال انتشار بیانیه تغییر ایدئولوژی از اسلام به مارکسیسم در سال 1354، شهید بهشتی تلاش برای ایجاد یک سازمان سیاسی اسلامی اصیل را با جدیت بیشتر از سر گرفت. ابتدا جلساتی با حضور عده‌ای از روحانیان مبارز تشکیل شد تااینکه در تابستان 1356 با اوج‌گیری انقلاب اسلامی فکر ایجاد یک هسته روحانی به‌دور از گرایشات غیر اسلامی و التقاطی قوت گرفت. هدف، پایه‌گذاری یک حزب نیرومند سیاسی و اجتماعی برای پرکردن خلاء شدید تشکیلات سیاسی ــ مذهبی در کشور بود. جلساتی جهت تهیه مرامنامه و اساسنامه در اوایل سال 1357 تشکیل و پس از تدوین برای اظهار نظر امام خمینی(ره) به عراق فرستاده شد. رهبر انقلاب در نخستین روزهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نظر مساعد و موافق خود را با تشکیل حزب اعلام داشت. به دنبال آن، حزب جمهوری اسلامی توسط پنج تن از هیات موسسین و پس از تشکیل شورای موقت، با شرکت سی نفر در بیست‌ونهم بهمن 1357 اعلام موجودیت کرد.[4] حزب پس از اعلام موجودیت به‌سرعت به یکی از فراگیرترین احزاب تاریخ ایران تبدیل گردید و با تاسیس دفتر مرکزی در تهران، دفاتر خود را در صدوچهل شهر افتتاح کرد و تا اردیبهشت‌ماه 1358، بیش از دو میلیون نفر در آن عضو شدند.[5] در مرامنامه حزب جمهوری اسلامی هدف حزب تداوم‌بخشیدن به انقلاب خلق مسلمان ایران در راه استقرار نظام عدل اسلامی در زمینه‌های معنوی، فرهنگی، سیاسی و نظامی ذکر گردیده و اصول خط‌مشی حزب بر چهار اصل استوار شده بود: تداوم انقلاب و جلوگیری از هر نوع تحجر و توقف در یک مرحله، التزام به همبستگی روزافزون همه نیروهای مبارز مسلمان، خودداری از هر نوع وابستگی به گروهها و نیروهایی که پیوند با آنان به استقلال و اصالت اسلامی جنبش کمترین آسیبی زند و استفاده از همه شیوه‌های مبارزه و سازندگی که با معیارهای اسلامی سازگار باشد. ارکان تشکیلاتی حزب جمهوری اسلامی بر اساس اساسنامه از پایین به بالا عبارت بودند از: «عضو، واحد آمادگی، حوزه، شورای بخش، شهرستان و استان، کنگره، شورای مرکزی، شورای ایدئولوژی، شورای افتاء، شورای داوری و هیات اجرایی. مرکز حزب در تهران و شعب آن در شهرها و روستاها و خارج از کشور تشکیل می شد.»[6] با تشکیل حزب جمهوری اسلامی گروههای اسلامی همچون هیاتهای مؤتلفه اسلامی به آن پیوستند و قطب قدرتمندی را در مقابل جریانهای لیبرال، چپ مارکسیستی و التقاطی به‌وجود آوردند. حزب، روزنامه جمهوری اسلامی را به عنوان ارگان رسمی و نشریه دانش‌آموزی عروة‌الوثقی را برای بیان دیدگاههای دینی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود منتشرکرد. حزب جمهوری در نخستین سال حیات خود با کسب اکثریت کرسیهای مجلس خبرگان قانون اساسی، در تدوین قانون اساسی نظام تازه‌تاسیس جمهوری اسلامی نقشی کلیدی ایفا کرد و با گنجاندن اصول اسلامی، به‌ویژه اصل ولایت فقیه و تعیین مواضع و خطوط کلی آن، مرزبندی نظام سیاسی شیعی ــ اسلامی با سایر نظامهای سیاسی را آشکار ساخت. حزب پس‌ازآنکه در پی مخالفت رهبری انقلاب با تصدی روحانیان در پستهای سیاسی، اولین انتخابات ریاست جمهوری را به نفع ابوالحسن بنی‌صدر از دست داد، نامزدهای آن در انتخابات نخستین دوره مجلس شورای اسلامی اکثریت کرسیها را به دست آوردند. به این ترتیب، مجلس شورای اسلامی در دست جناح اسلام فقاهتی قرار گرفت و حجت‌الاسلام علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی ــ از موسسین حزب ــ به ریاست آن برگزیده شد. در این زمان، دو جریان اصلی در درون نظام جمهوری اسلامی شکل گرفته بود که تحت عنوان جناحهای مذهبی و لیبرال در مقابل یکدیگر به صف‌آرایی پرداختند و بر سر انتخاب نخست‌وزیر، وزرای کابینه و سرانجام جنگ عراق علیه ایران، به تقابل برخاستند، تقابلی که در غائله چهاردهم اسفند 1359 به درگیری فیزیکی بین طرفداران رئیس‌جمهور بنی‌صدر و حزب جمهوری اسلامی انجامید و به نقطه بازگشت‌ناپذیری رسید. با تشدید اختلافات، مجلس شورای اسلامی ــ که حزب جمهوری اسلامی در آن اکثریت کرسیها را در دست داشت ــ به طرح عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر در سی‌ام خرداد 1360 رای داد. با عزل و مخفی‌شدن رئیس‌جمهور بنی‌صدر، سازمان مجاهدین خلق ایران که از حامیان اصلی وی محسوب می‌شد، مبارزه مسلحانه با نظام جمهوری اسلامی ایران را اعلام کرد و مراکز مهم حزب جمهوری اسلامی را هدف قرار داد. دفتر مرکزی حزب در تهران در هفتم تیرماه 1360 منفجر شد و در اثر آن بیش از هفتادودو تن از اعضاء بلندپایه حزب از جمله آیت‌الله دکتر محمد حسینی‌بهشتی ــ دبیرکل ــ به شهادت رسیدند. پس از شهادت دکتر بهشتی، حجت‌الاسلام محمدجواد باهنر به دبیرکلی حزب انتخاب شد اما وی نیز به همراه محمدعلی رجایی، دومین رئیس‌جمهوری ایران، در انفجار دفتر نخست‌وزیری در هشتم شهریور به شهادت رسید. سپس آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به جای وی انتخاب شد و تا زمان انحلال حزب این سمت را به عهده داشت.[7]

حزب جمهوری اسلامی و جنگ ایران و عراق

حزب جمهوری اسلامی با آغاز جنگ عراق علیه ایران در سی‌ام شهریور 1359، اولین بیانیه‌ خود را در اول مهر 1359 منتشر کرد و جنگ را یک بعد از ابعاد توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران دانست و هدف از ایجاد درگیری و حمله نظامی به حریم ایران را مشغول‌کردن نیروهای نظامی ایران در مرزها عنوان کرد. در این بیانیه، تجاوز نظامی امریکا به ایران از طریق مزدور منطقه‌ای‌اش صدام خائن، به‌شدت محکوم گردیده و از امت مسلمان عراق خواسته شده بود: برای نابودی رژیم استبدادی و وابسته عراق به‌پاخیزند و حکومت عراق را به دست صالحان بسپارند.[8] حزب جمهوری در دومین بیانیه خود به تاریخ دهم مهر 1359 برخلاف دیدگاه ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس‌جمهور و فرمانده وقت کل قوا که بر جنگ کلاسیک با تکیه بر نیروهای ارتش تاکید داشت، از ضرورت بسیج مردم و اعزام آنان به جبهه‌ها و جنگ مردمی سخن به میان آورد و جنگ با عراق را جنگ سرنوشت‌ساز انقلاب اسلامی و جبهه میان ایران و عراق را جبهه اسلام و جبهه کفر صدام خواند. حزب از تمامی اعضاء و افراد همسو خواست به سوی جبهه‌ها بشتابند و به کلیه دفاتر حزب در سراسر کشور تکلیف شد امکانات آموزش نظامی عمومی و اعزام نیروها به جبهه‌ را فراهم آورند. به دنبال آن، دفاتر حزب در تهران و خرم‌آباد صدها داوطلب را تعلیم نظامی دادند و آنان را به جبهه‌های جنگ اعزام کردند.[9] یک هفته بعد، در سومین بیانیه حزب در خصوص جنگ ایران و عراق، به تاریخ شانزدهم مهر 1358، با اعلام این‌که اگر انقلاب اسلامی منزوی بود، هیچ دولتی به‌خود زحمت یورش به آن را نمی‌داد، مساله گروگانهای امریکایی در ایران را یکی از عوامل اصلی جنگ عراق با ایران دانسته و بر موضع قهر کامل و عدم پذیرش هر گونه مذاکره با دولت متجاوز عراق تاکید شده بود. حزب در این بیانیه دستاوردهای جنگ را برای انقلاب و مردم ایران برشمرد و شکست توطئه جدایی مردم از انقلاب اسلامی، اثبات وفاداری ارتش جمهوری اسلامی به نظام جدید و غلط‌بودن محاسبات دشمنان در خصوص ارتش، اثبات توانایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حفظ و حراست از انقلاب اسلامی، اثبات عدم وابستگی نظامی جمهوری اسلامی به استکبار جهانی و منزوی‌نبودن این نظام در میان ملتهای جهان را از مهمترین این دستاوردها خواند. در پایان نتیجه‌گیری شده بود که جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق با ایران، آغاز اوج صدور انقلاب اسلامی به جهان می‌باشد... و تردیدی وجود ندارد که این جنگ به سقوط رژیم خائن حاکم بر عراق منتهی خواهد شد و به دنبال آن رژیمهای سرسپرده و مرتجع و خائن منطقه که از اقمار شیطان بزرگ می‌باشند، یکی پس از دیگری سرنگون خواهند شد.[10]

به دنبال صدور فرمان بسیج عمومی توسط امام خمینی (ره)، حزب جمهوری اسلامی در سی‌ام مهر 1359، با حمایت از فرمان رهبر انقلاب و اعلام این‌که در شرایط حاضر تمامی امکانات تبلیغی و رزمی خود را در جهت پیروزی مدافعین اسلام به کار برده است، از کلیه نیروهای خود خواست از فرمان رهبر انقلاب اطاعت کنند و با کمک سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب، از طریق مساجد و بسیج مستضعفان سازمان یابند و تعلیمات نظامی فشرده‌ای را برای مقابله با متجاوزان فراگیرند. به دنبال آن، حزب جمهوری اسلامی به تمامی دفاتر خود در تهران و شهرستانها دستور داد تمام امکانات خود را در جهت تعلیمات رزمی و بسیج اختصاص داده و آن را در اولین مرتبه اهمیت قرار دهند.[11]

با شکست استراتژی نظامی عراق در نخستین ماههای جنگ و به دنبال آن فعال‌شدن هیاتهای صلح، به‌ویژه در پی سفر هیات اعزامی کنفرانس طائف برای میانجیگری بین دو کشور درگیر جنگ،[12] حزب جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای در چهاردهم فروردین1360 شرایط پایان جنگ را ترک کلیه نیروهای متجاوز از خاک ایران و مجازات صدام جنایتکار و رژیم او به خاطر خیانتهایی که به دو ملت ایران و عراق کرده است، اعلام نمود. این حزب با رد پیشنهاد هیات اعزامی مبنی بر بررسی تشخیص متجاوز تاکید کرد: «برای مردم جهان هیچ تردیدی وجود ندارد که تجاوزگر صدام است و آن‌چه باید در پی آن باشیم، مجازات است نه تشخیص این که چه کسی متجاوز است.» در بیانیه تاکید شده بود: «مذاکره میان جمهوری اسلامی ایران و ملت عراق تنها با حکومتی باید صورت گیرد که برخاسته از اراده و خواست ملت عراق باشد.»[13] با آغاز پیروزیهای نیروهای ایران در جبهه‌های جنگ و پس از آزادسازی خرمشهر، حزب جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه‌ای در سوم خرداد 1361 آزادی خرمشهر را نویدبخش فتح بیت‌المقدس خواند و تاکید کرد که «اهتزاز پرچم ظفر اسلام بر فراز مسجد جامع خونین‌شهر، برافراشتن پرچم اسلام بر فراز مسجدالاقصی را بشارت می‌دهد.» این حزب به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج‌فارس اطمینان داد که اگر به دنبال ماجراجویی نباشند و خواهان صلح و رفتار برادرانه با ایران باشند، به آنها به دیدة دوستی و احترام نگریسته خواهد شد. در همین ایام، به دنبال انتشار دیدگاه برخی اشخاص و گروههای سیاسی ــ از جمله نهضت آزادی ایران، حزب توده، سازماندهی چریکهای فدایی خلق (اکثریت) ــ مبنی بر ضرورت پایان‌دادن به جنگ پس از فتح خرمشهر و تاکید بر این که تشدید و توسعه این جنگ و انتقال آن به درون خاک عراق می‌تواند پای کشورهای بیشتری را به جنگ بکشاند ــ دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی در سی‌ویکم مرداد 1361 بر لزوم پیروزی قاطع نظامی ایران بر عراق تاکید کرد: در بیانیه هرگونه حمایت از به‌کارگیری شیوه‌های دیپلماتیک و استفاده از هیاتهای صلح جهت میانجیگری بیانگر سرسپردگی حامیان آن دانسته شده بود. در تاکید بر این مواضع، دبیرکل وقت حزب جمهوری اسلامی (آیت‌الله خامنه‌ای) در سخنانی در جمع اعضاء تصریح کرد: «شرایط جمهوری اسلامی برای پایان‌دادن جنگ، قطعی است و باید مورد قبول قرار گیرد و درغیراین‌صورت جنگ تا سقوط رژیم صهیونیستی عراق ادامه خواهد یافت.»[14]

حزب جمهوری اسلامی معتقد بود پیروزیهای نیروهای ایران در آزادسازی مناطق اشغالی در جنوب و غرب کشور نتیجه انسجام و وحدت بی‌سابقه‌ای بین نهادها و مسئولین کشور است و تاکید داشت که پیروزیهای عظیم در جنگ تحمیلی مرهون یک شخص یا یک ارگان یا نهاد نیست و برای نیل به چنین موفقیتهایی، قاطعیت هیات حاکمه ــ مثل دولت و مجلس و قوه قضاییه ــ در انجام وظایفشان ضرورت دارد.[15]

با تشکیل مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در تهران در پاییز 1361، حزب جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای در سوم آذرماه، هدف از تشکیل این مجلس را سرنگونی رژیم بعثی ــ صهیونیستی عراق، استقرار جمهوری اسلامی در عراق و گشودن راه آزادی قدس عزیز دانست. در بیانیه حزب به مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق توصیه شده بود با بسیج اقشار مختلف مردم عراق و ایجاد وحدت بین آنان، برای گسترش انقلاب اسلامی و سرنگونی رژیم فاسد صدام تلاش کند. حزب در بیانیه خود، مجلس اعلا را تنها سخنگوی مردم عراق دانسته بود.[16] با تداوم جنگ در خاک عراق در سال 1362 و تشدید تلاشهای بین‌المللی برای جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ، حزب جمهوری اسلامی در بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی قدس در پانزدهم تیرماه آن سال، از عزم راسخ امت ایران در ادامه دفاع از انقلاب اسلامی در برابر جنگی که استکبار جهانی بر نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل کرده است، خبر داد و از اسرائیل و رژیم بعث عراق به عنوان دو نیروی شیطانی استکبار و کفر جهانی به سرکردگی امریکا یاد کرد که برای محو و نابودی اسلام و مسلمانان بسیج شده‌اند. در بخشی از این بیانیه آمده بود: «نگاههای ژرف و عمیق امت ایران از ورای سرزمینهای غصب‌شده... به سوی کربلا است که تا قدس شریف ادامه دارد.» در این بیانیه، دولت فرانسه به خاطر انباشتن زرادخانه‌های عراق از سلاحهای جنگی، شریک در کشتار دو ملت مسلمان ایران و عراق دانسته شده بود.[17] در نیمه خرداد 1363 در پی بمباران شهر بانه، حزب جمهوری اسلامی با انتشار بیانیه‌ای ضمن محکوم‌کردن این اقدام، اعلام کرد که ملت ایران به همت رزمندگان و رهبری امام انتقام همه شهدای جنگ تحمیلی را خواهد گرفت و با همکاری و همدلی دو ملت ایران و عراق شاهد سقوط مزدوران بعثی و برقراری جمهوری اسلامی در عراق خواهد بود.[18] در شانزدهم شهریور همین سال نیز، حزب با انتشار پیامی به مناسبت سالروز هفدهم شهریور، از پیکاری سهمگین در همه جبهه‌های توطئه، ترور، کودتا، تجاوز و تحمیل جنگ خبر داد که بر اساس آن نظام جمهوری اسلامی بر پایه ایمان و عدالت، فضیلت و تقوی و وحدت و انسجام، اهداف و آرمان شهدا به‌ویژه شهدای جنگ تحمیلی جبهه‌های نبرد حق علیه کفر صدامی را تحقق خواهد بخشید.[19]

سرانجام حزب جمهوری اسلامی در پی بروز شکاف میان اعضای آن در سال 1366 منحل شد. در نامه دبیرکل وقت حزب (آیت‌الله خامنه‌ای) و حجت‌الاسلام هاشمی‌رفسنجانی به امام‌خمینی(ره)، رهبر انقلاب، برای اخذ اجازه انحلال آن در تاریخ دوازدهم خرداد 1366 چنین آمده بود: «در طول جنگ تحمیلی حزب جمهوری اسلامی در سراسر کشور به وظیفة الهی خود برای بسیج مردم و شرکت فعال در جبهه‌های جنگ [عمل نمود] و جمعی از کادرها و اعضای آن در این جهاد مقدس به شهادت رسیدند.»[20]

پی‌نوشت‌ها

\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_\_

[1]ــ غلامرضا علی‌بابایی، فرهنگ تاریخی ــ سیاسی ایران و خاورمیانه، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ج3، چ اول، 1374، ص383؛ تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات سروش، 1369 ص274

[2]ــ او به تنهایی یک امت بود، تهران، واحد فرهنگی بنیاد شهید، چ اول، هفتم تیر 1361، ص466

[3]ــ مجتبی سلطانی، خط سازش؛ بررسی و تحلیل تحقیقی و مستندی پیرامون تاریخچه مواضع و عملکرد نهضت آزادی ایران، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چ اول،1367، ص23

[4]ــ غلامرضا خواجه سروی، «تعارضات جناحهای سیاسی دوره اول مجلس شورای اسلامی (1363ــ1359)»، فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، سال اول، شماره اول، پاییز 1374، ص92 و 93؛ واحد فرهنگی بنیاد شهید، همان، صص469ــ466؛ ابراهیم جعفریانی، نقش ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران در بروز و تداوم جنگ ایران و عراق، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران،1380صص75ــ74؛ آیت‌الله دکتر بهشتی، عملکرد یکساله حزب جمهوری اسلامی، گفتار شماره 13، تهران، حزب جمهوری اسلامی، چ اول15/2/1359، صص9، 50ــ49

[5]ــ آیت‌الله دکتر بهشتی، همان، ص50؛ دانشجویان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی؛ دخالتهای امریکا در ایران، ش.15، تهران، انتشارات لانه، بی تا، ص17

[6]ــ حزب جمهوری اسلامی، مرامنامه و اساسنامه، تهران، بهمن 1357، صص6، 9، 10 و 11؛ کریم راهوار منفرد (افتخاری)، احزاب ، تشکلها و جناحهای سیاسی ایران امروز (1380-1357) تهران، نشر سیاست، چ اول،1382، صص 314ــ 303، غلامرضا خواجه سروی، همان، ص95

[7]ــ ابراهیم جعفریانی، همان، صص 94-92، آیت‌الله دکتر بهشتی، همان، صص 26 ، 28 و 51؛ بیانیه حزب جمهوری اسلامی، 4/12/1358،ص 2 ؛ خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ویژه، ص45؛ دادگستری جمهوری اسلامی ایران، غائله چهاردهم اسفند 1359، تهران، ناشر دادگستری جمهوری اسلامی، چ اول، 1364، صص 91،92 و 704؛ علی زارعی و سیدکاظم مشکانی، الگوها؛ زندگینامه شهیدان رجایی و باهنر، اندیشه دانشجو، سال هشتم، شماره6، شهریور 1381، صص 57-54؛ خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ویژه، ش76، ص35؛ امید انقلاب، سال بیست‌ودوم، شماره320، تیرماه 1381، ص6؛ محمد درودیان، جنگ، بازیابی ثبات، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چ اول، 1378، ص123

[8]ــ بیانیه حزب جمهوری، 1/7/1359

[9]ــ پرونده حزب جمهوری اسلامی در روزنامه جمهوری اسلامی.

[10]ــ روزنامه کیهان، 17/7/1359، ص2؛ بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن احزاب و گروهها.

[11]ــ روزنامه جمهوری اسلامی، 30/7/1359، ص2؛ بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس، زونکن احزاب و گروهها.

[12]ــ ر.ک. اتحادیه عرب.

[13]ــ واحد فرهنگی بنیاد شهید، همان، صص 537ــ536؛ روزنامه جمهوری اسلامی، 30/7/1359، ص2؛ بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.

[14]ــ پرونده حزب جمهوری اسلامی در روزنامه جمهوری اسلامی.

[15]ــ دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نشریه داخلی، رویدادها و تحلیل، ش46، 11/8/1361، ص30ــ29

[16]ــ روزنامه جمهوری اسلامی، 4/9/1361، ص2، بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس زونکن گروهها و سازمانها.

[17]ــ همان، ش1187، ص2، معاونت اطلاع‌رسانی، 1362

[18]ــ همان، 16/3/1363، ص2 و بنیاد حفظ آثار و ارزشهای دفاع مقدس.

[19]ــ همان، 17/6/1363، ص 2، معاونت اطلاع‌رسانی اداره اطلاع‌رسانی نمایندگی ولی‌فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، پرونده حزب جمهوری اسلامی، 1363

[20]ــ خبرگزاری جمهوری اسلامی، نشریه ویژه ص45